

گزارش

۲۲۶ نماینده مجلس خواستار خروج ایران از پروتکل الحاقی شدند

اولتیماتوم به کاخ سفید یا پاستور؟!

● **شرق:** ظهر روز گذشته بیانیه‌ای با امضای ۲۲۶ نفر از نمایندگان در رابطه با توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی از پنجم اسفند ۹۹ در صحن علنی مجلس قرائت شد. بر این اساس، دولت باید طبق قانون لغو تحریم‌ها، فردا (پنجم اسفند) از پروتکل الحاقی خارج شود. هرچند زمزمه‌هایی از احتمال تمدید این مهلت به گوش می‌رسد، اما نمایندگان مجلس عزم خود را جزم کرده‌اند تا قبل از بازگشت آمریکا به برجام، ایران از آن خارج شود. در سه سال اخیر با خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از سوی آمریکا ایران تحت سخت‌ترین شرایط اقتصادی قرار داشته‌ست. با توجه به پیروزی بایدن در انتخابات آمریکا که یکی از وعده‌هایش بازگشت به برجام بود، هنوز اتفاقی عملی در این رابطه رخ نداده است و از این‌رو اصولگرایان که علاقه‌ای به زنده‌شدن برجام ندارند، تعلل بایدن را دستاویزی برای خروج ایران از برجام قرار داده‌اند. در این رابطه، قانونی نوشتند و در آن دولت را مکلف به خروج از پروتکل الحاقی و برجام کردند که زمان اجرای آن فرداست. به گفته قاسم مجبعلی، دیپلمات پیشین، خروج از پروتکل الحاقی و افزایش غنی‌سازی نه‌تنها تأثیری بر تصمیم اروپا و آمریکا نمی‌گذارد، بلکه باعث می‌شود کشورهای مثل عربستان سعودی و اسرائیل و دیگر دشمنان برجام، ابزار و مستمسک خوبی برای فشار بر ایران به دست بیاورند. او با اشاره به طرح راهبردی مجلس برای مقابله با تحریم‌ها اظهار کرد: اگر این طرح به هدف اجرا مصوب شده باشد، واضح است که آثار بسیار منفی و مخربی بیش از پیش بر اقتصاد ایران به جا خواهد گذاشت و به این معناست که ایران رسماً از برجام خارج شده است. وی با بیان اینکه عدم اجرای پروتکل الحاقی و تولید بیش از حد اورانیوم ۲۰ درصد به معنای خروج از برجام است، گفت: ترامپ و نتانیاهو بیش از سه سال دنبال همین نتیجه‌ای بودند که اکنون به دست نمایندگان مجلس خودمان در حال عملی شدن است. این دیپلمات پیشین اضافه کرد: با وجود فشارهای زیاد اقتصادی و تحریم‌هایی که آمریکا و حتی دیگر طرف‌های برجام بر ایران وارد کردند، ایران هوشیاری به خرج داده و تاکنون برجام را حفظ کرده است.

ادامه در صفحه ۹

سیاست

جمهوریت نظام خدشه‌دار شود نه اصولگرا خواهد ماند و نه اصلاح طلب

اگر افراد پاکدست و خوش‌فکر که در عین حال نشان داده‌اند از مردم جدا نیستند را معرفی کنیم به همراه گفت‌وگو ممکن است به نتیجه برسیم در واقع راهی جز این نداریم.

اینکه رفاه مردم را ابزار سیاست بدانیم خیلی خطرناک است و الان شاهدش هستیم. این از خطرناک‌ترین کارهاست که رفاه و فاصله طبقاتی مردم ابزار سیاست شود مثل روند بودجه در مجلس که دودش به چشم مردم می‌رود. به نظر اگر مردم احساس کنند کام‌های بهتری می‌توانند برای زندگی آینده‌شان بردارند آن قدر هوشمند هستند که انتخاب خوبی داشته باشند.

❧ به کاندیدای مصلح اقتدارگرا معتقد هستید؟

قطعاً معتقد به کاندیدای اقتدارگرا نیستم. بحث‌هایی در مورد کاندیدای نظامی شده است. در همه جای دنیا نظامیان می‌توانند کاندیدا شوند و در قانون اساسی در این زمینه معنی نیست. مشکل نظامی نیست، مشکل سیستم نظامی‌گری است. اینکه بنیان‌گذار انقلاب گفته نظامی‌ها وارد سیاست نشوند، چون در صورت ورودشان دو اتفاق می‌افتد. سیاست معرکه سعی و خطاست. نظامی‌ها حافظ استقلال یک کشور هستند. اگر جامعه در فضای سعی و خطا اعتمادش را را به اینها از دست بدهد کانون دفاع از کشور آسیب می‌بیند. نظامی‌ها کار بزرگی دارند و فکر نکنند با آمدن به عرصه سیاست مسئله را حل می‌کنند. نظامی‌گری یک تخصص است و عرصه اطاعت در حالی که عرصه سیاست، عرصه اجابت و اقیاع است. این عرصه را نباید با عرصه دیگری که در جای خودش بسیار ارزشمند است یکی گرفت یا عوض کرد. بسیجی‌ها و سپاهیان حافظ مملکت بودند وقتی این عرصه را عوض می‌کنند، هم جامعه ضرر می‌کند هم نظامی‌ها، و تلاش‌ها و بزرگواری‌هایشان که فداکاری و ایثار بوده دچار بحران می‌شود.

مسائل کشور آن قدر پیچیده است که بهترین فرد را هم انتخاب کنید سه دوره ریاست‌جمهوری نیاز است که این چالش‌ها ترمیم پیدا کند. به حرف اولم برمی‌گردم، نگاه اقتدارگرا نفس جمهوریت را می‌گیرد و چون این جمهوریت به شکل پیوستار با اسلامیتش پیوند خورده به اسلامیتش هم آسیب می‌رساند و مردم را از گردونه‌ها خارج خواهد کرد. بنابراین به این امر اعتقادی ندارم و معتقدم باید تلاش کرد جامعه را به همان شعارهای اصلی‌مان برگرداند. امروز نمی‌خواهیم کام‌های بالاتری برداریم، جامعه‌ را برگردانیم به همان حرف‌هایی که در قانون اساسی زده شده و اگر همان حرف‌ها را تحقق بخشیم چند کام جلوتر خواهیم رفت تا بعد که هیچ قانونی همیشگی نیست چون بشری است و متناسب با زمان باید تغییر کند.

❧ و حدس شما از شرایط آینده و مشخصاً انتخابات چیست؟

جامعه ما نشان داده که خیلی وقت‌ها پیش‌بینی‌ناپذیر است. سال ۷۶ و ۹۲ همین بود. اما به نظر می‌رسد فضای کنونی بسا رد صلاحیت حتی حداقل‌های اصلاح‌طلبان صورت خواهد گرفت و ممکن است نیروهای اندکی در صحنه بمانند. به دلیل فضای سرد جامعه مردم با حد نصایی خواهند آمد و نهایتاً کاندیدای آینده در اختیار اصولگراها خواهد بود. البته آنها هم با هم اختلاف دارند. اما اگر اصلاح‌طلبان بازسازی و نوسازی کنند و نگاه ملی به آینده شکل بگیرد که عامل بقای این نظام مردم هستند و اگر از صحنه کنار بروند عامل و بقا هم آسیب می‌بیند، ممکن است فضای پیش‌بینی‌ناپذیری مثل ۷۶ یا ۹۲ رخ دهد.



عباس سفید تاجی، شرق

را بیان کند و برخی هم جسته گریخته به یک مصلح اقتدارگرا اشاره می‌کنند، به نظر شما کدام راه مناسب‌تر است؟

این هم از آن سؤال‌های سخت است. در هر موقعیتی که قرار بگیرید پاسخ به این سؤالات سخت است چون متغیرهای جامعه ما خیلی پیچیده شده است. اصلاح‌طلبان یک تجربه تاریخی دارند و آن اینکه هر وقت دچار گسستگی جدی شده‌اند هم میدان را واگذار کرده‌اند و هم مردم را از دست داده‌اند. پس این تجربه تاریخی نشان داده که اصلاح‌طلبان باید به سمت اجماع حداکثری بروند و هر تصمیمی که می‌گیرند با اجماع حداکثری باشد و این تصمیمشان توانایی اقیاع مردم را داشته باشد. محور اصلی اصلاح‌طلبی که شاخص‌ها و رهبری‌اش معلوم است باید به اجماع برسند و این اجماع می‌تواند هر چیزی باشد که ما در شرایط فعلی باید چه تصمیمی بگیریم که به مصلحت مردم باشد.

البته باید درباره این مصلحت با افکار عمومی هم گفت‌وگو کنیم مثل سال ۹۲ که مردم را اقیاع کردیم. تجربه ۹۲ و ۹۶ را داریم. با این حال اگر آن ائتلاف در آن زمان امر درستی بوده الان به نظر می‌رسد این ائتلاف در این زمان امر درستی نیست.

نمی‌گویم سراغ کسانی برویم که می‌دانیم رد صلاحیت می‌شوند. پس اولاً سراغ فرد نرویم و بگوییم ما مجموعه‌ای داریم که اگر این آدم‌ها کنار هم قرار بگیرند چنین مجموعه‌ای شکل خواهد گرفت.

سراغ نیروهای جدید برویم نه به این معنی که مردم شناسند، بلکه مجموعه‌ای از افراد خوش‌فکر و سالم که اهل زدویند نیستند و ما در دانشگاهیان، رسانه‌ها و جامعه‌شناسان از این افراد داریم و باید متفاوت‌تر از گذشته عمل کنیم و به مردم به جای فرد یک مجموعه را معرفی کنیم. بنابراین به نظرم زمین انتخاب را کمی متنوع‌تر کنیم که جامعه احساس کند با آدم‌های جدیدتری در عرصه سیاست روبه‌رو شده و اینکه وارد گفت‌وگو شویم. ممکن است جواب هم نگیریم اما راهی جز گفت‌وگوی سازنده نداریم. اگر گفت‌وگو نکنیم قهر می‌کنیم و از قهر منافع ملی درمی‌آید. وارد گفت‌وگو شویم که با سردی جامعه و فاصله طبقاتی، راه به جایی نمی‌برد. جامعه اگر احساس کند تحریم کم‌رنگ می‌شود و تورم کاهش پیدا می‌کند، اگر احساس کند مدیرانش در بحث سلامت، کرونا را ابزار بی‌تدبیری‌ها نمی‌کنند، اگر احساس کند در مورد جانش اتفاقات خوبی می‌افتد به صحنه می‌آید.

اما درباره آنچه مربوط به دولت می‌شود باید گفت که

این دولت به دلایل تاریخی که رخ داده بود، اجماع خوبی در جامعه کسب کرد. کم اتفاق می‌افتد که دانشجو از کسی تبلیغ کند که نه خیلی قبولش دارد و نه خیلی می‌شناسد. چه شد که دانشجو آمد؟ موتور محرک ستاد‌های ۹۲ و ۹۶ دانش‌جویان بودند. در حالی که آن کاندیدا را نماینده اصلی خودش نمی‌دانست. احساس این بود که اگر نیایم، ممکن است مسیر، یک مسیر دیگر شود و امکان اصلاح حداقل از بین برود؛ پس آمد. دولت که از نظر پشتوانه اجتماعی خیلی جایگاهی نداشت، بخشی از این جایگاه را اصلاح‌طلبان آوردند و بخشی هم به دلیل فرهیختگی مردم بود که احساس کردند باید در این شرایط بیابند و مسیر دیگری را رقم بزنند و اجازه ندهند مسیری به جز آنچه آرزوی تاریخی‌شان است رخ دهد. همان اتفاقی که در ۷۶ هم رخ داد که همه فکر می‌کردند اتفاق دیگری می‌افتد ولی جامعه، مردم و دانشگاه آمدند.

اما متأسفانه دولت به این پشتوانه توجهی نکرد. مهم‌ترین ویژگی افسون قدرت، غفلت است که موجب شد دولت در دوره اول و دوم بسیاری از کمین‌های خودش در استان‌ها را به حاشیه براند و به آنها توجهی نکرد. در دوره دوم خیلی از جوانان که شبانه‌روزشان را گذاشتند و به صحنه آمدند، فهمیدند در مدیریت کشور، مدیریت دستگاه‌ها و استانداری‌ها نقشی نخواهند داشت و همه دست دولت است. اینها تلاش کردند و کسان دیگری نقش اصلی را گرفتند پس موتور حرکت گرفته شد.

دولت باید به این کمین توجه می‌کرد. این کمین یک سرمایه بزرگ بود که اگر امیدوار می‌شد می‌توانست کام‌های خیلی بزرگ‌تری را در جهت منافع همین مردم و در همین چارچوب و نظام بردارد. اینها سلبریتی‌های فکری یا کنشگران اصلی بودند. وقتی اینها به حاشیه می‌روند جامعه به کجا نگاه می‌کند. وقتی از یک خانواده سه دانشجو در فضای انتخاباتی فعال می‌شود و الان این سه نفر یا بی‌کار هستند یا ناامید، خب خانواده هم در کنار آنها قرار می‌گیرد. بنابراین دولت به این ظرفیت عظیم که واقعا بی‌نظیر بود و حتی از دوم خرداد ظرفیت عظیم‌تری بود چون پیوستگی بین آرمان و کاندیدا احساس می‌شد، بی‌اعتنا شد و آن را به حاشیه راند.

مشکل این بود که فکر می‌کردیم مسئله فقط در برجام و سیاست خارجی و کمی هم اقتصاد کلان خلاصه می‌شود پس به مسائل و جنبش‌های اجتماعی توجه نکردیم. ارشاد و سینما و تئاتر را رها کردیم. دانشگاه را به یک معنی نه اینکه بی‌توجه شدیم ولی دانشگاه به حاشیه رانده شد.

دولت خیلی وقت‌ها از موضع قانونی‌اش به دلیل اولویت‌هایی که برای خودش تعیین کرده بود عدول کرد و بقیه را رها کرد.

پس دولت از موقعیت‌های قانونی‌اش هم خوب استفاده نکرد. در دور دوم که اتفاق بدی افتاد. دولت می‌دانست با شرایط سختی روبه‌روست و باید کابینه قوی‌تری نسبت به دوره اول انتخاب می‌کرد هم کابینه نه چندان مقبولی ارائه کرد و در واقع این کابینه شکست بود نه پیروزی.

با این حال باید این را هم بگوییم که این دولت مظلوم است چون تلاش‌ها و زحماتش مغفول واقع شده و کسی فکر نمی‌کند که اگر نبود چه می‌شد چون تجربه تاریخی ما ضعیف است.

❧ الان برای انتخابات پیش‌رو سه سناریو مطرح می‌شود: یک بحث کاندیدای نیابتی، دو مشارکت مشروط و کاندیدای پیشرو که بیاید و حرف‌ها

خبر

مجوز مجلس

به دولت برای برداشت

از منابع حساب ذخیره ارزی

● **شرق:** بررسی جزئیات لایحه ۱۴۰۰ از روز گذشته در مجلس آغاز شد. رئیس مجلس در ابتدای جلسه علنی پارلمان گفت: «بودجه کشور وارث چند دهه عملکرد اقتصادی دولت‌هاست و بخش درخورتوجهی از اشکالات ساختاری در اقتصاد کشور، به علت در اولویت نبودن اصلاح ساختار بودجه است. لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ نیز طبق همین عادت دیرینه و حتی بیش از اشکالات ساختار مرسوم، دارای مشکلات جدی بود و معیشت مردم را در معرض آسیب قرار می‌داد.» به گزارش ایسنا، قالیباف با بیان اینکه بودجه فعلی بودجه مطلوب مجلس نیست، افزود: «دولت یک کام در تعامل با مجلس به نفع مردم برداشت و ما نیز از بخشی از اصلاحات خود چشم‌پوشی کردیم تا اختلاف‌ها مانع حل مشکلات مردم نشود».

در ادامه این جلسه و در جریان بررسی بخش درآمدی بودجه ۱۴۰۰، نمایندگان مجلس به دولت اجازه دادند اگر منابع حاصل از صادرات نفت، میعانات گازی و خالص صادرات گاز در سال آینده کم شوند، می‌تواند از حساب ذخیره ارزی برداشت کند.

همچنین نمایندگان مجلس مصوبه‌ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن، وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط، مجاز به خرید گاز مایع از کشورهای دیگر یا تهاتر آن با بنزین و گازوئیل از شرکت ملی نفت ایران یا سایر شرکت‌های تابعه وزارت نفت است و معادل وزنی گاز مایع خریداری یا تهاترشده، نفت گاز یا بنزین صادر می‌کند و تمام عواید حاصل، به حساب شرکت تابعه ذی‌ربط آن وزارتخانه واریز می‌شود. مجوز مجلس به دولت برای واگذاری بنگاه‌های دولتی از دیگر مصوبات مجلس بود. همچنین نمایندگان مجلس در مصوبه‌ای دولت را مکلف کردند نسبت به تسویه بدهی خود از محل تحویل نفت خام و میعانات گازی اقدام کند. آنها در مصوبه‌ای دیگر دستگاه‌های اجرایی را مکلف کردند تا فهرست شرکت‌هایی را که مجموع سهام دولت و شرکت‌های دولتی در آنها کمتر از ۵۰ درصد است، به وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه ارسال کنند.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL

GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran